

مبتنی بر کردار نیک و راست‌گویی و عمل به تعهدات است، "سرمایه اجتماعی" بیشتری وجود دارد که لازمه و تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری و تولید است و یاد فرهنگ‌هایی که افکاری نظیر "یک شبه ره صدساله رفتن بدون تلاش" و یا "دستیابی به ثروت با هزینه دیگران" وجود دارد نهادهای ضد توسعه شکل می‌گیرند و دور باطلی از عقب‌ماندگی و نبود انباشت رخ می‌کند.

یک روش ساده برای تفکر درباره فرهنگ و رفتار، توجه به چارچوب زیر است:

رفتار ← شخصیت ← جامعه‌پذیری ← فرهنگ ← زیست‌بوم

زیست‌بوم به معنی محیط فیزیکی، جغرافیایی، آب و هوایی و تمامی گیاهان و جانوران یک اقلیم است که شامل برخی منابع هم‌چون زمین حاصل‌خیز، حیوانات شکاری، نفت، فلزات و... است. این منابع امکان بروز رفتارهای خاصی هم‌چون سخت‌کوشی و یا تنبلی را فراهم می‌کنند و به پاداش منجر می‌شوند؛ رفتارهای پاداش (سود)‌گیرنده، به رفتارهای خودبه‌خودی و سپس به رسوم آن فرهنگ تبدیل می‌شوند. فرهنگ بر انتخاب راه‌های کسب اطلاعات توسط انسان‌ها، شیوه تفسیر آن‌ها، و روشی که اطلاعات را مورد استفاده قرار می‌دهند، اثر می‌گذارد. در برخی موارد می‌توان با جایگزینی رسوم به جای تفکر، در وقت صرفه‌جویی کرد.

عواملی هم‌چون سن، شهرنشینی و میزان تحصیلات افراد یک جامعه، تغییرات فرهنگی جوامع را تسهیل می‌کند. مثلاً در جوامعی که جمعیت جوان آن بیشتر است، تغییر و تحولات فرهنگی نیز بیشتر است. در مورد درصد شهرنشینی بیشتر و یا سواد بالاتر نیز روال همین‌گونه است. به طور کلی به نظر می‌رسد هر سه زمینه فوق در جامعه امروز ایران موجد تحولات فرهنگی است و در نتیجه، آموزش‌هایی که در زمینه‌های مختلف به افراد داده می‌شود، اثربخشی بیشتری دارد. به عبارت دیگر، این عوامل بسترهای بالقوه برای این که ما یک "جامعه یادگیرنده" باشیم را فراهم می‌کند.

برخی بررسی‌ها در مورد چگونگی گذراندن اوقات فراغت ایرانیان نشان می‌دهد که تماشای تلویزیون اصلی‌ترین موردی است که مردم ایران در اوقات فراغت خویش به آن می‌پردازند. تازه‌ترین برآوردها نشان می‌دهد که هر ایرانی روزانه به طور متوسط ۶ ساعت تلویزیون تماشا می‌کند. پس از آن (و با فاصله زیاد از آن) معاشرت با اقوام و خویشان، استراحت در خانه و مطالعه قرار دارد. این نشان می‌دهد آموزش‌های فرهنگی که از طریق برنامه‌های جذاب تلویزیونی به مردم ارائه می‌شود اثر زیادی می‌تواند داشته باشد. ضمن این که این آموزش‌ها از طریق یک ضریب فراینده یعنی "معاشرت با اقوام و خویشان" که دومین زمینه گذراندن اوقات فراغت است، خود به "باز تبلیغ" برنامه‌های تلویزیونی تبدیل می‌شود.

طبق تعریف کلاسیک "تایلور" در مورد مفهوم فرهنگ؛

احمدصاوی روشن  
سیلمجتبی‌فنائی<sup>۲</sup>

## دلایل و ضرورت انجام اقدامات فرهنگی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار

مقاله

فرهنگ برای جامعه، هم‌چون حافظه برای انسان است. به عبارت دیگر، فرهنگ شامل سنت‌هایی است که نشان می‌دهد در مورد یک رفتار خاص چگونه عمل می‌شده است. فرهنگ هم‌چنین شامل شیوه نگرش مردم به خود و محیط اطراف‌شان، پیش‌فرض‌های بیان‌نشده آن‌ها درباره راه و رسم دنیا و هم‌چنین روشی است که مردم باید عمل کنند. به عبارت دیگر، فرهنگ، بخش انسان ساخته محیط است. اهمیت تأثیر فرهنگ بر اقتصاد بسیار عیان است. هیچ رفتاری صورت نمی‌گیرد مگر آن که فکری در پشت آن نهفته باشد و افکار نیز به‌طور عمده ریشه در فرهنگ دارد. هم از این روست که اقتصاددانان نهادگرا بر اهمیت فرهنگ در توسعه اقتصادی تأکید می‌ورزند و تفاوت سطح توسعه کشورها را در تفاوت نهادهای اجتماعی توسعه‌گرا و یا ضد توسعه می‌دانند. این نهادها نیز به نوبه خود از فرهنگ یک کشور سرچشمه می‌گیرند. مثلاً در فرهنگ‌هایی که رفتار انسان‌ها



**L** فرهنگ برای جامعه، هم‌چون حافظه برای انسان است. به عبارت دیگر، فرهنگ شامل سنت‌هایی است که نشان می‌دهد در مورد یک رفتار خاص چگونه عمل می‌شده است

نسبت به آن وجود داشته باشد در زمره فرهنگ عمومی قرار می‌گیرد. بنابراین، چنان‌چه بخواهیم فرهنگ مشارکت در سرمایه‌گذاری در بورس (فرهنگ بورس) به یک فرهنگ عمومی تبدیل و جزئی از شیوه زندگی مردم ما شود بایستی به تمام اجزای فرهنگی که در تعریف "تاینور" به آن‌ها اشاره شده، توجه کنیم. بدین معنی که با این پدیده بایستی هم‌چون یک بسته رفتار شود. دانش مردم در حوزه بورس باید افزایش یابد. این کار می‌تواند در حوزه آموزش بورس قرار گیرد. مثلاً در کتاب‌های مدارس ابتدایی، درس‌هایی رایج به بورس گنجانده شود تا از کودکی ذهن کودک با مفهوم بورس آشنا شود و یا به طرق گوناگون پدر و مادرها را در این زمینه آگاه ساخته و از آنان خواسته شود تا فرزندان خود را با بورس آشنا کنند. هم‌چنین باید مراکز ایجاد شود تا

فرهنگ کلیت در هم تافته‌ای شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌تی که آدمی هم‌چون عضوی از جامعه به دست می‌آورد، است. زنگاهی دیگر "آنتونی گیدنز" فرهنگ را مجموعه‌ای از ارزش‌هایی که اعضای یک جامعه معین دارند و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند معرفی می‌کند. وی فرهنگ را به مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌کند. مفهوم دیگری که در بررسی فرهنگ جوامع باید بررسی شود، فرهنگ عمومی است. "فرهنگ عمومی" ناظر به آن دسته از پدیده‌های فرهنگی است که تقریباً نزد عموم مردم مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر فرهنگ عمومی ناظر به توافق یا عدم توافق جمعی نسبت به پدیده‌های فرهنگی است و هر پدیده فرهنگی که توافق عام‌تری

شیوه‌های جالب و جذاب بورس و پیامدهای آن را مطرح کند و یا از طریق برنامه‌های آموزشی تلویزیونی، اینترنتی و سایر رسانه‌ها، مزایای سرمایه‌گذاری در بورس نسبت به سایر سرمایه‌گذاری‌ها مشخص شود، اما این کافی نیست. در حوزه دین نیز بایستی از علمای دین طلب یاری و حضور فعال در این زمینه شود. مثلاً از آنان توصیه‌های متعدد در زمینه تشویق مردم به سرمایه‌گذاری در بورس تقاضا شود. هنر هم باید به کمک بورس بیاید و در فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی و سایر انواع هنر، به طور غیرمستقیم، از مزایای سرمایه‌گذاری در بورس گفته شود، و بالاخره قانون که یکی از مهم‌ترین عوامل نهادینه کردن فرهنگ بورس است باید شفافیت، کارایی و عدالت را تضمین کند.

روش‌های تغییر رفتار انسان‌ها با ابزارهای مختلفی می‌تواند مؤثر واقع شود. این روش‌ها ایجاب می‌کنند که مردم برای رفتارهای مطلوب خود پاداش بگیرند. بنابراین، چنانچه آموزش‌ها بر پایه نفع شخصی بنا شود یعنی شخص احساس کند که انجام یک عمل اجتماعی مشخص، منافع شخصی او را نیز به دنبال دارد به انجام آن ترغیب می‌شود. از این دیدگاه، بهترین پاداش در زمینه افزایش مشارکت مردم در بورس، همانا پرسود کردن آن به لحاظ اقتصادی و نیز نشان دادن این که سرمایه‌گذاری در بورس، مورد اطمینان و امن است، می‌باشد. یعنی آن نوع سیاست‌گذاری در بورس لازم است که یک نفع اجتماعی (که همانا سرمایه‌گذاری همگانی در بورس است) و یک نفع شخصی (که همانا سود حاصل از سرمایه‌گذاری یک فرد در بورس است) بر هم منطبق شوند. به‌طور طبیعی اگر بورس در دوران رونق خود قرار داشته باشد و یا حداقل این که یک سرمایه‌گذاری مفید بلندمدت و با نرخ سود قابل انتظار باشد، این خود بهترین تبلیغ فرهنگی برای بورس است. بنابراین، در کنار آموزش‌های عمومی که برای افزایش تمایل مردم به ورود به بورس انجام می‌گیرد چنانچه مسئولان سازمان بورس و اوراق بهادار بتوانند بورس را به یک بازار باتبات و به دور از تنش‌های دوره‌ای (و یا با کم‌ترین نوسان) تبدیل کنند، بهترین اقدام فرهنگی را در این مورد انجام داده‌اند.

اهمیت آموزش سهام‌داران به مثابه یک فعالیت فرهنگی یادگیری اساس پیشرفت بشر است. انسان با یادگیری است که به انباشت تجارب خود می‌پردازد و از آنجا خلاقیت و نوآوری زاده می‌شود. گرچه در عصر حاضر منبع مهم یادگیری مدرسه و دانشگاه است اما در تاریخ بشر و هنگامی که مثلاً پدری طریقه صحیح شکار را در هزاران سال پیش به کودک خود یاد می‌داده است، یادگیری و روی دیگر آن یعنی آموزش وجود داشته است. اما با پیشرفت جوامع بشری و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و همچنین به وجود آمدن الزامات زندگی جمعی، یادگیری نیز دست‌خوش تغییر شد

و منابع یادگیری متنوع گشت. به طور کلی در عصر حاضر می‌توان سه منبع و روش یادگیری را به شرح زیر از هم تفکیک کرد:

۱- یادگیری رسمی: این نوع یادگیری همان یادگیری مدرسه‌ای یا دانشگاهی است که مقامات رسمی با برنامه‌های مدون و از پیش طراحی شده ارائه می‌دهند. این نوع یادگیری همراه با دریافت مدرک رسمی برای برخورداری از حقوق اجتماعی و نیز تسریع در پیمودن پیشرفت افراد است. در این رابطه مسئولان بورس می‌توانند به عنوان یکی از حقوق خود جایگاه طرح مفاهیم بورس و آشنایی با آن را از مسئولان آموزش رسمی کشور مطالبه و برای تحقق آن هزینه کنند.

۲- یادگیری غیررسمی: یک فرد تنها از طریق مدرسه و دانشگاه به یادگیری نمی‌پردازد بلکه ممکن است همگام با پیشرفت و توسعه یادگیری‌های رسمی، مؤسساتی نیز به وجود آیند تا در جهت تکمیل یافته‌های رسمی حرکت کنند. همانند مؤسسات زبان یا کامپیوتر یا... که در کنار حوزه رسمی به فعالیت مشغولند. فقدان چنین مراکزی سازمان بورس و اوراق بهادار کشور را بر آن می‌دارد تا خود اقدام به تأسیس این گونه مراکز کند و یا با مشارکت با دیگر مراکز این خلاء را جبران کند.

۳- یادگیری خصوصی یا شخصی: هنگامی که شخص، بدون برنامه مدون و مشخصی چیزی فرا می‌گیرد به نوعی یادگیری شخصی پرداخته است. مثلاً ممکن است در مدرسه درس کامپیوتر یاد بگیرد (یادگیری رسمی) و در کنار آن به کلاس‌های آموزش کامپیوتر در خارج از مدرسه برود (یادگیری غیررسمی) و نیز در خانه هم خودش به تمرین و یادگیری کامپیوتر بپردازد (یادگیری شخصی). تولید ابزارهای جذاب به صورت داستان، CDهای سرگرمی، جدول، فیلم، وسایل سرگرمی و بازی رهاکارهای مناسبی برای این مهم است.

دقیقاً به موازات این مفاهیم می‌توان به آموزش رسمی، آموزش غیررسمی و آموزش شخصی اشاره کرد، چرا که آن روی سکه آموزش، یادگیری است و تقسیمات و تعاریفی که در بالا در مورد یادگیری شد، می‌توان عیناً به آموزش نسبت داد.

بورس در هر سه نوع آموزش فوق می‌تواند فعال عمل کند. در حوزه آموزش رسمی، گنجاندن متون درسی در کتاب‌های متوسطه و دانشگاهی (بسته به سطح علمی و تخصصی مطالب) و با هماهنگی وزارت آموزش و پرورش، نهضت سوادآموزی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. بدیهی است چنانچه طراحی مواد درسی بورس، دقیق و حساب شده صورت گیرد، اثر مثبت و مؤثرتری به دنبال خواهد داشت. بنابراین، لازم است تیمی از متخصصان اقتصادی، روانشناسی، و ادبیات، هنر و سایر رشته‌های مرتبط



طبق تعریف کلاسیک "تیلور" در مورد مفهوم فرهنگ؛ "فرهنگ کلیت درهم تافته‌ای شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی هم چون عضوی از جامعه به دست می‌آورد، است."

بهترین پاداش در زمینه افزایش مشارکت مردم در بورس، همانا پرسود کردن آن به لحاظ اقتصادی و نیز نشان دادن این که سرمایه‌گذاری در بورس، مورد اطمینان و امن است، می‌باشد.

گرد هم آیند و به تهیه مطالب بپردازند به طوری که در عین سادگی و روانی دارای رسایی و جذابیت‌های ظاهری نیز باشد. حتی می‌توان از فناوری‌ها و ابزارهای جدید از جمله لوح فشرده و سایر ابزارها برای آشنا کردن جوانان کشور با بورس استفاده کرد. وارد کردن بورس در آموزش‌های عمومی و رسمی مدارس و دانشگاه مهم‌ترین کاری است که باید صورت گیرد. چرا که سطح وسیعی از فراگیران را در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر، پایه گسترده‌ای از مخاطبان در اینجا وجود دارد اما باز هم باید تأکید کرد که در نگارش جمله به جمله متون آموزش رسمی بورس، نهایت دقت باید صورت گیرد.

در حوزه آموزش غیررسمی، می‌توان به دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش بورس که توسط مدرسان مجرب در سطوح دانشگاهی و قبل از آن صورت می‌گیرد، اشاره کرد. که به عنوان مکمل آموزش‌های رسمی به ابفای نقش گسترش فرهنگ بورس می‌پردازد. برگزاری کارگاه‌های آموزشی آشنایی با بورس در گستره‌ای به وسعت ایران و تمام مناطق نیز در حوزه آموزش‌های غیررسمی می‌گنجد. خوش‌بختانه در این زمینه سازمان بورس و اوراق بهادار اقدامات مؤثری انجام داده و از سال‌های قبل تعداد زیادی از معلمان آموزش و پرورش و شهروندان را آموزش داده است.

حوزه آموزش شخصی، سومین حوزه‌ای است که فرهنگ‌سازی بورس از طریق آموزش، در آن شکل می‌گیرد. اما چه بسا اثربخشی این نوع آموزش از دو نوع دیگر بیشتر باشد چرا که در این نوع آموزش، انگیزه‌های فردی برای یادگیری در درجه اول قرار دارد. بدین معنی که فرد، فارغ از مواردی هم‌چون آموزش اجباری، و... تنها به دنبال افزایش دانش خود در زمینه موردنظر است. بنابراین کیفیت یادگیری در این نوع آموزش، بیشتر است. تحقق این امر منوط به وجود ابزارها و امکانات مورد نیاز است از جمله راه‌اندازی سایت‌های اینترنتی روزنامه‌ها و برنامه‌های رادیو - تلویزیونی، برنامه‌های ویژه فرهنگ‌سراها و سایر برنامه‌ها و ابزارهای متنوع در این حوزه قرار می‌گیرد.

نکته این است که توجه کافی به اهمیت روابط متقابل این سه نوع یادگیری (رسمی، غیررسمی و شخصی) الزامی است. این سه در واقع یک نظام واحد آموزشی را تشکیل می‌دهند و چنان‌چه آموزش رسمی یک فرد از جانب یک زیرساخت قوی آموزش غیررسمی و شخصی حمایت نشود این نظام دچار خلل است و کارایی لازم را نخواهد داشت. البته این خلل در نظام آموزشی کشورهای پیش‌رفته که در آن منابع غنی یادگیری غیررسمی و شخصی وجود دارد، ممکن است کم‌تر اتفاق بیفتد. اما در کشورهای در حال توسعه این مشکل خود را بیشتر نشان می‌دهد.

حمایت از حقوق سهام‌داران

بعد دیگر ضرورت فرهنگ‌سازی از سوی سازمان بورس دفاع از حقوق سرمایه‌گذاران است. گرچه سازمان بورس به عنوان نهادی بی‌طرف و تنظیم‌گر، بایستی از خریداران سهام به عنوان مشتریان سهام از یک سو و نیز شرکت‌ها و کارخانجات پذیرفته شده در بورس به عنوان عرضه‌کنندگان سهام از سوی دیگر، به یک اندازه دفاع کند اما هم‌چنان‌که می‌دانیم در ایران، به دلیل عدم آگاهی عموم از سازوکار بازار اوراق بهادار حقوق خریداران سهام شرکت‌ها بیش از عرضه‌کنندگان سهام در معرض تضییع قرار دارد. در چنین شرایطی سازمان بورس بایستی به عنوان یک وظیفه وارد میدان شده و خریداران سهام را از حقوق خود، راهکارهای احقاق حق و نیز زیر و بم آیین‌نامه‌ها و قوانین مطلع کند. یکی از راه‌های دفاع و حمایت از حقوق سهام‌داران این است که سازمان بورس و اوراق بهادار از طریق برنامه‌های فرهنگ‌سازی سهام‌داران را از مباحث حقوقی مرتبط و اتفاقات و رویدادهای مرتبط با فعالیت‌های سرمایه‌گذاری آگاه کند.

البته در هیچ یک از بورس‌های دنیا رعایت حقوق سهام‌داران به خودی خود صورت نمی‌گیرد بلکه الزاماً باید شرایط، نهادها و قوانین خاصی ایجاد شود تا بتوان انتظار رعایت حقوق آنان را داشت. برای این کار چهار عامل دخیل‌اند که چنان‌چه به طور هم‌زمان و به عنوان مکمل یک‌دیگر عمل کنند به هدف مورد نظر می‌توان دست یافت.

۱- قوانین و مقررات حامی حقوق سهام‌داران و نظام قضایی کارا؛

۲- آگاهی سهام‌داران از حقوق خود و پیگیری برای احقاق حق؛

۳- شرایط رقابتی بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس؛

۴- نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی حامی حقوق سهام‌داران.

در این جهت، سازمان بورس می‌تواند با انجام فعالیت‌های فرهنگی در دو زمینه مورد اشاره در بالا یعنی آشنا کردن سهام‌داران با قوانین و مقررات بورس و نیز قوانین و مقررات حامی حقوق سهام‌داران و آگاه کردن سهام‌داران از حقوق خود گام‌های مهمی در جهت افزایش کارایی بورس بردارد.

#### (Endnotes)

۱ - عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

۲ - کارشناس مدیریت پژوهش توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار

هم از این روست که اقتصاددانان نهادگرا بر اهمیت فرهنگ در توسعه اقتصادی تأکید می‌ورزند و تفاوت سطح توسعه کشورها را در تفاوت نهادهای اجتماعی توسعه‌گرا و یا ضد توسعه می‌دانند.

برخی بررسی‌ها در مورد چگونگی گذراندن اوقات فراغت ایرانیان نشان می‌دهد که تماشای تلویزیون اصلی‌ترین موردی است که مردم ایران در اوقات فراغت خویش به آن می‌پردازند.